

آموزش و پرورش ما چه وضعی دارد؟

وضعیت کلی آموزش و پرورش از نظر تعداد دانش آموز، سرانه ی فضای آموزشی، نسبت دانش آموزان غیردولتی و دولتی چگونه است؟



وضعیت کلی آموزش و پرورش از نظر تعداد دانش آموز، سرانه ی فضای آموزشی، نسبت دانش آموزان غیردولتی و دولتی چگونه است؟ آیا آموزش پایه ی کشور دارد به سمت خصوصی شدن پیش می رود؟ دولت نسبت به گذشته برای آموزش هر دانش آموز چه قدر هزینه می کند؟ برای پاسخ به این سوالات، نکات زیر را دنبال کنید:

۱- آن طور که وزیر آموزش و پرورش می گوید امسال با افزایشی نزدیک به ۸۰۰ هزار نفری، ۱۴ میلیون دانش آموز به مدرسه رفته اند که از این میان تقریباً ۱۱.۵ درصد آنها، راهی مدارس غیردولتی شده اند. تعداد دختران و پسران دانش آموز، سال به سال، بیشتر به هم نزدیک می شود؛ به طوری که در آخرین آمار موجود در مرکز آمار ایران که مربوط به ۱۳۹۵ است، این فاصله به ۳۰۰ هزار نفر رسیده است؛ فاصله ای که ده سال پیش از آن، نزدیک به ۶۰۰ هزار نفر بود.

۲- در هر مدرسه ی دولتی، به طور میانگین، ۱۱۵ دانش آموز و در هر مدرسه ی غیردولتی ۱۰۹ دانش آموز به تحصیل می پردازند. به گفته ی وزیر آموزش و پرورش، سرانه ی فضای آموزشی کشور، ۵ متر مربع به ازای هر دانش آموز و در برخی استان ها ۳ متر مربع است؛ حال آنکه میزان مطلوب جهانی ۸ مترمربع است.

۳- اگر به آمار بانک جهانی از دانش آموزان مدارس غیردولتی کشور نگاهی بیندازیم، به نکته های جالبی پی می بریم. نکته هایی که می توان چکیده شان را این گونه بیان کرد: از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۴، نسبت دانش آموزان مدارس غیردولتی به کل دانش آموزان، تقریباً ۱۰۰ برابر شده است. در سال ۱۳۷۰، از هر ۱۰۰۰ دانش آموز، تقریباً ۱ نفر در مدرسه ی غیردولتی درس می خواند؛ مقداری که در سال ۱۳۹۴ به ۱۰۴ نفر و تا سال پیش (بنا بر آمار سازمان برنامه و بودجه کشور) به ۱۱۵ نفر رسیده است. این آمار، گرایش شدید آموزش و پرورش به واگذاری بخشی از وظایف خود به مدارس غیردولتی را نشان می دهد که با توجه به روند یادشده، امروز هم دنبال می شود. این گرایش به خصوصی سازی آموزش پایه در برخی کشورهای جهان اول همچون آلمان و کانادا هم دیده می شود اما با سرعتی بسیار کمتر از کشور ما. برای نمونه در کشورهای کانادا و آلمان، در همان مدت مشابه، نسبت دانش آموزان مدارس غیردولتی، تقریباً ۲ و ۳ برابر شده است (مقایسه کنید با ۱۰۰ برابر شدن آن در ایران). میزان هزینه کرد دولت برای هر دانش آموز بر حسب درصد از سرانه ی تولید ناخالص داخلی

منبع: بانک جهانی

۴- هم پای این مسئله، ما نظاره گر کاهش هزینه کرد دولت به ازای هر دانش آموز (بر حسب درصد از سرانه ی تولید ناخالص داخلی) هستیم. این کاهش را به ویژه در فاصله ی میان سال های ۱۳۸۶ تا اکنون می بینیم که از ۱۶ درصد به ۷.۶ درصد رسیده است؛ حال آن که پیش از ۱۳۸۶، این هزینه، روندی افزایشی داشته است. این کاهش هزینه کرد دولت به ازای هر دانش آموز، نمود دیگری از حرکت دولت به سوی واگذاری بخشی از آموزش پایه به مدارس خصوصی است. بد نیست که نگاهی به هزینه کرد دیگر دولت ها و میانگین جهانی آن هم داشته باشیم. میانگین جهانی هزینه های دولت ها برای هر دانش آموز، نزدیک به ۱۶.۷ درصد از سرانه ی تولید ناخالص داخلی است و برای نمونه، کشورهایی همچون آلمان و فرانسه، ۱۷.۸ و ۱۸ درصد سرانه را به هر دانش آموز اختصاص می دهند. با وجود آنکه افزایش دانش آموزان مدارس غیردولتی در این کشورها ممکن است ما را به این نتیجه گیری برساند که هزینه کرد دولت برای دانش آموزان در این کشورها کاهش یافته است اما به عکس؛ در هر دوی این کشورها، هزینه برای هر دانش آموز، روندی رو به رشد داشته است.

حال می توانیم تصویر کلی آموزش و پرورش کشور در آینه ی آمار و ارقام را این گونه خلاصه کنیم: هر سال تعداد کل دانش آموزان افزایش می یابد؛ تعداد دانش آموزان دختر و پسر به هم نزدیک و نزدیک تر می شود؛ نسبت دانش آموزان مدرسه های غیردولتی، هر سال بیشتر می شود یا به بیان دیگر، آموزش و پرورش هر سال، بخش بیشتری از وظیفه های خود را به مدرسه های غیردولتی می سپارد و هزینه های دولت به ازای هر دانش آموز بر حسب نسبت از سرانه ی تولید ناخالص داخلی، از میانگین جهانی آن فاصله ی درخور توجهی دارد و هر سال هم بیشتر کاهش می یابد.

ایسنا - محمد جوانمرد